



ندای سرخ را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

سناریوی ارتجاع برای بازسازی چهره کریم احمدی نژاد

فرهاد رها

در اقدامی بحث برانگیز محمود احمدی نژاد رئیس جمهور منصوب ولایت فقیه نام سه زن را در لیست وزرای پیشنهادی خود به مجلس شورای اسلامی قرار داده است. در حاکمیتی که تبعیض علیه زنان یکی از نمادهای ایدئولوژی سرکوب است و این ایدئولوژی خود را در تمامی اندام های جامعه از تحمیل حجاب اجباری گرفته تا تفکیک جنسیتی نشان می دهد، اقدام احمدی نژاد حقیقتاً تابوشکنانه است. اما واقعا داستان چیست؟ آیا احمدی نژاد مترقی و هوادار رفع تبعیض از زنان شده است؟

البته این تصویری است که باند سرمایه داران حاکم بر ایران (سپاه پاسداران و بیت رهبری) می خواهند از احمدی نژاد ارائه دهند. اما در ورای این تفسیر ها ریشه این اقدامات را باید در واقعیت مفلوک حاکمان اسلامی و مواجه آنها با نفرت عمیق مردم از احمدی نژاد جستجو کرد. در حقیقت پس از آنکه سید علی خامنه ای در نماز جمعه 29 خرداد از سر حماقت سرنوشت خود را به سرنوشت احمدی نژاد گره زد جمهوری اسلامی با یک معضل اساسی روبرو شد و آن نفرت عمیق مردم از نماد تازه حکومت بود. نفرتی که خود را نه تنها در جوک های بی پایان سیاسی بلکه در شعارهای خیابانی هم نشان می داد. شعار هایی مانند مرگ بر دیکتاتور چه شاه باشه چه دکتر، ان خس و خاشاک تویی پست تر از خاک تویی و...

با توجه به این واقعیات اکنون جمهوری اسلامی راه حل معضل اساسی خود را در بازسازی چهره کریم احمدی نژاد یافته است و می کوشد این اقدام را از طریق قرار دادن احمدی نژاد در موقعیت های به ظاهر اپوزیسیونی (مخالف) انجام دهد. البته سناریوی قرار دادن احمدی نژاد در موقعیت های اپوزیسیونی با انتخاب این سه وزیر زن آغاز نشده است. اقدام احمدی نژاد در انتخاب رحیم مشایبی به معاونت اولی و مقاومت یک هفته ای او در مقابل حکم حکومتی ولایت فقیه و نیز اظهارات هر از چند گاه او دال بر موافقت با حضور زنان در ورزشگاهها را نیز باید در چنین چهارچوبی تحلیل کرد.

سناریو به این ترتیب است که احمدی نژاد شکل مسخ شده ای از مطالبات مردم را مطرح می کند اما همین شکل مسخ شده مطالبات هم با مخالفت طیف سنتی جناح اصولگرا یعنی طیف روحانیت-بازار مواجه شده و عملاً به فراموشی سپرده می شود. در این میان دست آورد احمدی نژاد دو گانه خواهد بود. هم خود را در موقعیت به ظاهر اپوزیسیونی قرار می دهد و هم گناه برآورده نشدن مطالبات مردم را به گردن طیف روحانیت - بازار انداخته و نفوذ این طیف را هر چه بیشتر به نفع پایه مادی خود یعنی طیف سپاه پاسداران تضعیف می کند. در حقیقت احمدی نژاد اقدامات خود را به هزینه جریان روحانیت-بازار و به نفع جریان در سایه یعنی سپاه پاسداران انجام می دهد.

رد پای این سناریو را در تمامی اقدامات به ظاهر اپوزیسیونی احمدی نژاد می توان دید. اظهارات او درباره ورود زنان به ورزشگاهها که با مخالفت روحانیت سنتی مواجه شد عملاً به لحاظ مشروعیت به ضرر روحانیت تمام شده و حتی در آن مقطع چهره ای به ظاهر مترقی از احمدی نژاد ارائه داد. و ماجرای رحیم مشایبی نیز ضمن آنکه تصویری از استقلال ظاهری او از رهبری به دست داد، به او این امکان را داد که با بخش های دیگری از طیف سنتی جناح اصولگرا تصفیه حساب کند. (برکناری تحقیر آمیز محسنی اژه ای و صفار هرندی)

مسئله معرفی سه زن در کابینه نیز به نظر می رسد کاملاً همین مسیر را طی می کند. معرفی این سه زن تاکنون با واکنش بخشی از مرجعیت محافظه کار مانند مکارم شیرازی و چندی از نمایندگان اصولگرای منتقد دولت در مجلس روبرو شده است. و با این حجم از مخالفت ها به نظر نمی رسد وزیر زنی بتواند از صافی مجلس عبور نماید و در نتیجه پایان این ماجرا برای احمدی نژاد همان پایان پروژه های قبلی خواهد بود. یعنی ارائه چهره به ظاهر اپوزیسیونی از احمدی نژاد و منزوی کردن هر چه بیشتر طیف سنتی جناح اصولگرا به نفع جریان اصلی یعنی جریان بروکرات-نظامی.

این سناریویی است که باند سرمایه داران بروکرات - نظامی حاکم بر ایران برای بازسازی چهره کریم احمدی نژاد در پیش گرفته اند. سناریویی که می کوشد با قرار دادن احمدی نژاد در موقعیت های به ظاهر اپوزیسیونی مشروعیتی را برای او دست و پا کند. اما تا جایی که به اردوگاه مقاومت یعنی اردوگاه مردم مربوط می شود این سناریو به شکست کشیده شده است. زیرا توده مردم اعتنایی به فعل و انفعالات درونی اردوگاه کودتا ندارند و در حالی که اردوگاه کودتا پروژه همزمان سرکوب و عوامفریبی را در پیش گرفته است مردم خود را برای خیزش های آینده آماده می کنند. راهپیمایی روز قدس و بازگشایی دانشگاه، این سنگر تسخیر ناشدنی آزادی موقعیت های اعتراضی پیشروی مردم است. موقعیت هایی که از هم اکنون رعشه مرگ را بر اندام عوام فریبان و سرکوبگران حاکم انداخته است.

انتشار از «ندای سرخ»

چهارم شهریور 1388